



علی احمدی

همسر امام

همسر امام هادی علیه السلام سوسن نام داشت. وی کنیزی از اهالی نوبه^۱ بود. دست تقدیر او را به مدینه و خانه امام هادی علیه السلام رساند و پس از مدتی امام حسن عسکری علیه السلام از او متولد شد. وی از زنان عارف و فاضل عصر خود و به نام‌های «سلیل، حدیثه، حریبه» معروف و مشهور بود. قبل از آنکه امام هادی علیه السلام با آن خانم ازدواج کند، امام جواد علیه السلام در وصف آن بانو گفت:

«سلیل»، یعنی بیرون کشیده از هر آفت و پلیدی و ناپاکی (بعد، از آینده او خبر داد) و فرمود: ای سلیل! زود است خداوند به تو،

حجت خود را عطا فرماید که زمین را از عدل پر کند، بعد از آنکه از ستم پر شده باشد.^۲ همچنین امام هادی علیه السلام او را ستود و درباره او فرمود:

«سلولٌ مسلولةٌ من الآفات و الانجاس؛ سلول (یکی از القاب سوسن) از بدی‌ها و آلودگی‌ها پاک است».

سوسن به قدری با فضیلت بود که وقتی امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت رسید، به عنوان پناهگاه شیعیان به شمار می‌آمد. احمد بن ابراهیم می‌گوید: از حکیمه دختر امام جواد علیه السلام پرسیدم: در این دوران اضطراب و نگرانی شیعه (دوران غیبت حضرت ولی

عصر)، شیعیان به چه کسی مراجعه کنند؟ در جواب فرمود: «الی الجدة امّ ابی محمد».

در سال ۲۵۹ ق. امام حسن عسکری علیه السلام، سوسن و امام زمان را به سفر حج فرستاد و قبل از حرکت، اسم اعظم، سلاح و... را به حضرت مهدی واگذار فرمود. سوسن و نوه گرامی اش، به سفر مکه مشرف شدند و سپس به مدینه رفتند. در آنجا باخبر شد که فرزند دلبندهش به شهادت رسیده است؛ پس با عجله به طرف سامرا حرکت کرد. هنگامی که به سامرا رسید، متوجه شد جعفر کذاب ادعای ارث و وصایت حضرت امام حسن علیه السلام دارد و خود را وصی و وارث امام معرفی می کند. سوسن نزد جعفر کذاب رفته و فرمود: «وصی امام حسن من هستم». جعفر قبول نکرد. وی برای اثبات مدعای خود، نزد «ابوالشوارب»، قاضی سامرا، رفت و وصایت خود را به اثبات رساند.

سوسن وصیت کرد: هرگاه از دنیا رفتم، مرا در کنار قبر شوهرم امام هادی و فرزندم امام حسن عسکری علیه السلام دفن کنید. هنگامی که از دنیا رفت، خواستند به وصیتش عمل کنند، جعفر کذاب به بهانه اینکه وارث برادر و مالک منزل حضرت است، از دفن کردن سوسن خودداری کرد. در این لحظه به امر

پروردگار حضرت مهدی علیه السلام ظاهر شد و خطاب به عموی ناخلفش فرمود: «ای جعفر! آیا این خانه، خانه توست یا خانه من است؟!» و از نظرها غایب گردید. جعفر که به شدت تحت تأثیر قرار گرفته بود، خود را کنار کشید و به این ترتیب سوسن در کنار شوهر و فرزند معصومش به خاک سپرده شد.^۲

فرزندان

اکثر علمای شیعه چهار فرزند پسر برای امام هادی علیه السلام ذکر کرده اند، اما در تعداد دختران ایشان اختلاف وجود دارد.

حضینی می نویسد: فرزندان امام هادی علیه السلام عبارت اند از: امام حسن علیه السلام، محمد، حسین و جعفر که مدعی امامت و به کذاب معروف بود.^۳

شیخ مفید می نویسد: جانشین آن حضرت ابامحمد حسن است که امام بعد از اوست و حسین و محمد و جعفر و دختری به نام عایشه.^۴

شیخ طبرسی غیر از عایشه، دختری به نام دلالة را هم به عنوان دختر امام هادی علیه السلام معرفی می کند.^۵ و ابن شهر آشوب دختری به نام علیّه برای ایشان نام می برد.^۶

البته با توجه به قرائن و شواهد امکان دارد که امام هادی علیه السلام فقط دارای یک دختر بود که نام‌های متفاوتی داشته است. از سخنان علمای اهل سنت هم این مطلب استفاده می‌شود که حضرت امام هادی علیه السلام چهار فرزند پسر و یک دختر به نام عایشه داشته‌است.^۸

ابن عنبه معتقد است که نسل امام هادی علیه السلام از طریق دو فرزندش (امام حسن عسکری و جعفر) ادامه یافت.^۹

اینک به صورت گذرا به شرح حال فرزندان آن حضرت می‌پردازیم:

۱. امام حسن عسکری

امام حسن عسکری در روز جمعه هشتم^{۱۰} ماه ربیع الثانی سال ۲۳۲ق. در مدینه منوره، دیده به جهان گشود.^{۱۱}

مادر گرامی‌اش، «حُدَیث» بانویی بزرگوار، باتقوا و نیکوکار بود. از دیگر نام‌های او «سوسن»، «سلیل» و «جده» است.

دوران کودکی آن حضرت، تحت سرپرستی پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام سپری شد. امام هادی علیه السلام در حق فرزندش می‌فرماید:

«فرزندم ابومحمد، اصیل‌ترین چهره خاندان نبوت و استوارترین حجت (خدا) است.

او بزرگ فرزندانم و جانشین من است و امامت و احکام به سوی او باز می‌گردد».^{۱۲}

روایات بسیاری از امام هادی علیه السلام نقل شده است که در آنها بر امامت و رهبری امام حسن عسکری علیه السلام تأکید شده است. صقر بن ابی دلف می‌گوید: از امام هادی شنیدم که فرمود:

امام بعد از من، حسن و بعد از حسن، پسرش «قائم» است؛ کسی که زمین را پر از قسط و عدل می‌کند؛ همانطور که از جور و ظلم پر شده باشد.^{۱۳}

امام حسن عسکری علیه السلام، عابدترین فرد زمان خود بود و بیش از همه به عبادت خداوند و انجام دستورهای الهی می‌پرداخت. شب‌ها را تا بامداد به تلاوت قرآن، نماز و سجده برای خدا می‌پرداخت. نماز اول وقت را بر هر کاری مقدم می‌داشت و هر گاه به نماز می‌ایستاد، با تمام وجود نیایش می‌کرد و تا وقتی که از نماز فارغ نشده بود، هیچ چیزی توجه او را به خود معطوف نمی‌کرد. ابوهاشم جعفری می‌گوید:

خدمت امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم. امام مشغول نوشتن چیزی بود. وقت نماز فرا رسید، امام از نوشتن دست کشید و به نماز ایستاد.^{۱۴}





سخاوت از اخلاق کریمه امام حسن عسکری علیه السلام است. او بخشنده‌ترین مردم زمان خویش بود. هیچ فقیر و تهی‌دستی از منزل آن حضرت، دست خالی بر نمی‌گشت. سعی داشت، قبل از آن که ابراز فقر شود به آنان کمک کند. آن حضرت در بیشتر مناطق اسلامی، وکیلانی تعیین فرمود تا حقوق شرعی را از مردم وصول و به فقیران و درماندگان برسانند و به آنان اجازه داده بود که از آن اموال در راه حل اختلاف میان مسلمانان و دیگر موارد خیر مصرف کنند.^{۱۵}

۲. سید محمد

سید محمد بنا بر برخی از منابع، حدود سال ۲۲۸ ق. متولد شد.^{۱۶} بنا بر این قول، سید محمد، فرزند اول امام است؛ ولی طبق برخی روایات سید محمد فرزند دوم و از امام حسن عسکری علیه السلام کوچک‌تر بود. علی بن مهزیار نقل می‌کند: به امام هادی علیه السلام گفتم: اگر شما از دنیا بروید، به چه کسی رجوع کنیم؟

امام فرمود: «عهدی الی الاکبر من ولدی».^{۱۷}

سید محمد به اندازه‌ای جلیل‌القدر و عظیم‌الشان بوده است که شیعیان خیال می‌کردند او امام بعدی است. یاران امام

هادی علیه السلام نیز درباره امامت وی از امام سؤال می‌کردند. علی بن عمرو نوفلی می‌گوید:

همراه ابی الحسن علیه السلام در حیاط منزلشان بودیم که پسرش محمد از جلوی ما گذشت. گفتم: فدایت شوم، آیا امام ما بعد از شما این است؟ امام در جواب من فرمود: نه، امام شما بعد از من، حسن است.^{۱۸}

علاقه امام به سید محمد

امام هادی علیه السلام و فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام به محمد بسیار ابراز علاقه می‌کردند؛ به طوری که امام برای او مجلس ختم برگزار کرد. جمعی از بنی هاشم، از جمله حسن بن حسن افسس نقل کرده‌اند:

روز وفات سید محمد، به خانه امام هادی علیه السلام رفتیم، مشاهده کردیم که در صحن خانه بساط گسترده‌اند و مردم دور تا دور نشسته‌اند. جمعیت را تخمین زدیم، به جز موالی و سایر مردم ۱۵۰ نفر از آل ابی طالب، بنی هاشم و قریش حضور داشتند. ناگهان امام حسن علیه السلام وارد شد و در کنار پدرش ایستاد. ما حضرت را نمی‌شناختیم. پس از ساعتی امام هادی علیه السلام رو به او کرد و فرمود: «یا بنی احدث لله شکرا فقد احدث فیک امرا».

امام حسن علیه السلام گریه کرد و گفت: الحمد لله رب العالمین، ایاه نشکر نعمه علینا و انا لله و انا الیه راجعون».

پرسیدیم: او کیست؟ جواب دادند: حسن علیه السلام فرزند امام علی علیه السلام. در آن وقت بیست ساله به نظر می‌رسید، ما فهمیدیم که پس از پدر، او امام است.^{۱۹}

وفات

سید محمد در سال ۲۵۲ق. برای زیارت خانه خدا، قصد سفر کرد. هنگامی که به قریه بلد^{۲۰} رسید، مریض شد و درگذشت. شیعیان او را در همان جا دفن کردند.^{۲۱}



کرامات

کرامات زیادی از این فرزند بزرگوار امام هادی علیه السلام دیده شده است، میرزا حسین نوری در النجم الثاقب می‌نویسد:

سید محمد صاحب کرامات متواتر است و حتی نزد اهل سنت هم معروف است. مردم عراق حتی اعراب بادیه نشین هم می‌ترسند

به نام او قسم یاد کنند. اگر آنها را به برداشتن مالی مستهم کنند، آن را بر می‌گردانند، ولی به سید محمد قسم نمی‌خورند؛ زیرا عذاب آن را دیده‌اند.^{۲۲}

تعدادی از علما، درباره کرامات سید محمد کتاب‌هایی نوشته‌اند؛ از جمله: رساله‌ای در کرامات سید محمد بن علی الهادی، تألیف مهدی آل عبد الغفار کشمیری. در اینجا به نمونه‌ای از کرامات وی اشاره می‌شود:

علامه سید هادی خراسانی بجزستانی^{۲۳} از سید حسن آل خوجه، از خدام آستانه عسکرین علیهما السلام، نقل می‌کند:

در صحن شریف ابی جعفر سید محمد نشسته بودم. متوجه شدم شخصی عرب در حالی که یکی از دست‌هایش را به گردن بسته بود، وارد آستانه شد. نزدیک رفتم و از علت مریضی او سؤال کردم. در جوابم گفت: سال گذشته، روزی به منزل خواهرم رفتم. دیدم در حیاط، گوسفندی بسته است. خواستم ذبح کنم و بخورم، خواهرم اجازه نداد و گفت: این گوسفند نذر سید محمد است. من به حرف او توجه نکردم و آن را ذبح کردم، پس از سه روز آثار شلی در دستم نمایان و روز به روز بدتر شد. من متوجه علت



آن نبودم، تا اینکه در این اواخر متوجه عملم شدم. حالا هم پشیمانم و برای شفا به آستانه سید محمد آمدم. سپس با همراهیان وارد حرم شد و شروع به گریه و زاری کردند. پس از ساعتی دیدم دستش را حرکت می‌دهد. سجده شکر به جا آورد و نذر کرد هر سال گوسفندی بیاورد و به نیت سید محمد ذبح کند.^{۲۴}

۳. حسین

درباره حسین بن علی علیه السلام مطلب زیادی به ما نرسیده است. شیخ عباس قمی می‌نویسد:

«معروف است که در نزد قبر عسکریین قبور جمله‌ای از سادات عظام است که از جمله آنهاست حسین پسر امام علی نقی علیه السلام و من بر حال حسین مطلع نشدم، لیکن آنچه به نظرم می‌رسد آن است که سید جلیل القدر و عظیم الشأن بوده؛ زیرا که من از بعضی روایات استفاده کردم که از مولای ما حضرت امام حسن عسکری و برادرش حسین بن علی تعبیر به سبطین می‌کردند و تشبیه می‌کردند این دو برادر را به دو جدشان دو سبط پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله امام حسن و امام حسین علیهما السلام.

و در روایت ابوالطیب است که صدای حضرت حجت (صلوات الله علیه) شبیه بود به صدای حسین و در شجرة الاولیاء تألیف فقیه، محدث، و حکیم سید احمد اردکانی یزدی در ذکر اولاد حضرت امام علی نقی علیه السلام است که حسین، فرزند آن حضرت، از زهاد و عباد بود و به امامت برادر خود اعتراف داشت و شاید متتبع ماهر بیابد غیر از آنچه ذکر شد، چیزی که دلالت کند بر جلالتش».^{۲۵}

۴. جعفر

جعفر در تاریخ، به جعفر کذاب معروف است. روایاتی هم از اهل بیت علیهم السلام در نکوهش وی وارد شده است. ابن سیابة می‌گوید:

«هنگامی که می‌خواست جعفر به دنیا بیاید، در خانه‌ی امام هادی علیه السلام بودم. دیدم اهل منزل همه خوشحال هستند؛ اما امام خوشحال نبود. گفتم: ای سید و آقای من! چرا به آمدن این مولود خوشحال نیستید؟ حضرت فرمود: یهونَ علیک امره فانه سیضلَ خلقاً کثیراً».^{۲۶}

از برخی روایات استفاده می‌شود که وی در زمان حیات امام هادی علیه السلام تلاش می‌کرد که خود را امام بعد از پدر معرفی کند. احمد بن سعد کوفی می‌گوید:

«به همراه گروهی از شیعیان نزد امام هادی علیه السلام رسیدیم و از امامت بعد از ایشان سؤال کردیم و گفتیم که برخی می‌گویند امام بعد از شما، جعفر است و نه حسن.

امام فرمود: [از این سخن] بپرهیزید، همانا جعفر دشمن من است؛ اگرچه فرزند من است. همچنین او دشمن برادرش حسن است و حسن او امام بعد از من است...»^{۲۷}

همچنین امام هادی علیه السلام در روایت دیگری می‌فرماید:

«از فرزندم جعفر دوری کنید، آگاه باشید همانا نسبت او [به من]، همچون حام به نوح است.»^{۲۸}

همچنین ابو خالد کابلی از امام سجّاد علیه السلام روایت می‌کند که رسول گرامی اسلام هنگامی که امامان بعد از خود را معرفی می‌فرمود، موقع ذکر امام صادق علیه السلام این گونه فرمود:

«... جعفر بن محمد که او را صادق می‌نامند، پس برای پنجمین فرزندش (امام هادی علیه السلام) هم فرزندی است به نام جعفر که ادّعای امامت می‌کند و به خداوند دروغ می‌بندد! پس او نزد خداوند جعفر کذاب و افترا زنده به خداوند و مدّعی امری است که

اهل آن نیست. همچنین او مخالف پدرش و حاسد برادرش است...»^{۲۹}

سؤال: آیا جعفر به همین وضعیت باقی ماند یا توبه کرد؟

در تاریخ یا در سخنان اهل بیت علیهم السلام چیزی در این زمینه وارد نشده است. فقط علی علوی عمری در المجدی فی الانساب می‌نویسد:

«قولی هست که او قبل از پدرش برگشت و توبه کرد، ولی پس از شهادت برادرش امام حسن، چون گمان می‌کرد فرزندی ندارد، ادّعای امامت بعد از برادرش را کرد و به کذاب معروف شد.»^{۳۰}

احمد بن اسحاق، وکیل امام حسن عسکری علیه السلام می‌گوید:

«جعفر کذاب کتابی نوشته و مدّعی شده بود که در این کتاب، علم حلال و حرام و همه علوم تا ابد نوشته شده است کتاب را خواندم و درباره آن برای امام زمان علیه السلام نامه‌ای نوشتم. حضرت در جواب نوشتند:

«... از عبارت کتاب معلوم است که چه کسی نوشته است. خداوند حق را بر اهل آن حفظ کند! خداوند ابا دارد از اینکه امامت را بین دو برادر، بعد از امام حسن و امام حسین، جمع کند...»^{۳۱}

جعفر در سال ۲۷۱ق در سامرا، در حالی که ۴۵ سال داشت، مرد. او را در کنار قبر پدرش در سامرا به خاک سپردند.^{۳۳}

پی‌نوشت‌ها

۱. نوبه، نام سرزمین وسیعی در جنوب مصر است. رسول گرامی اسلام اهالی آن دیار را ستود و درباره آنها فرمود: من لم یکن له أخ فلیتخذ أخاً من النوبة. «هر کس برادری ندارد شخصی از اهالی نوبه را به برادری بگیرد».
۲. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۱۹۷؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۰۱ و...
۳. زنان مردآفرین، محمد محمدی اشتهاردی، ص ۱۸۵.
۴. الهدایة الکبری، ص ۳۱۳، س ۱۲.
۵. الارشاد، ص ۳۳۴.
۶. دلائل الامامة، ص ۴۱۲.
۷. المناقب، ج ۴، ص ۴۰۲.
۸. الفصول المهمة، ص ۲۸۳؛ الصواعق المحرقة، ص ۲۰۷؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۱۲۹، نور الابصار، ص ۳۳۷.
۹. عمدة الطالب، ص ۱۷۹.
۱۰. بعضی از مورخین روز ولادت آن حضرت را دهم ربیع الثانی، بعضی روز چهاردهم همان ماه و بعضی روزهای دیگر گفته‌اند؛ ولی مشهور همان روز هشتم ربیع الثانی است. (بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۳۵)
۱۱. الارشاد، ج ۲، ص ۳۱۳؛ بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۳۵؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۰۱ و...
۱۲. اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۴۱.

۱۳. همان، ج ۵۰، ص ۲۳۹.
۱۴. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۰۴؛ اثبات الهداة، محمد بن حسن حر عاملی، ج ۳، ص ۴۳۰.
۱۵. الامام الحسن العسکری، ص ۴۰؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۲۳.
۱۶. دایرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۴۱۰.
۱۷. موسوعة کلمات الامام الهادی، پژوهشکده باقر العلوم، ص ۱۲۶.
۱۸. کافی، ج ۱، ص ۳۲۵.
۱۹. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۴۵؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۶۸۸.
۲۰. هم اکنون شهر بلد در هشتاد کیلومتری بغداد و در مسیر بغداد - سامرا قرار دارد. اکثر اهالی این شهر کوچک شیعه هستند و ارادت ویژه‌ای به سید محمد عابد دارند.
۲۱. المجدی، ص ۱۳۰.
۲۲. ابو جعفر محمد بن علی الهادی، غروی اردوبادی، ص ۴۰.
۲۳. زندگی این عالم بزرگوار در گلشن ابرار جلده، ص ۳۲۹. آمده است.
۲۴. همان، ص ۴۲.
۲۵. مفاتیح الجنان، ص ۱۰۱۲.
۲۶. اکمال الدین و اتمام النعمة، ص ۳۲۱.
۲۷. الهدایة الکبری، ص ۳۲۰.
۲۸. همان، ص ۳۸۱.
۲۹. اکمال الدین و اتمام النعمة، ص ۲۱۹؛ اثبات الهداة، ج ۱، ص ۲۷۵، ج ۱۲۹.
۳۰. المجدی فی الانساب، ص ۱۳۰.
۳۱. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۸۷.
۳۲. همان، ص ۸۴.